

# رساله موسیقی خواجه نصیرالدین طوسی

دکتر داوود اصفهانیان

قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) رامیتوان یکی از بحرانی ترین ادوار تاریخی ایران محسوب داشت. در این سده ایران زمین تحت سلطه ویرانگران تاتار در آمد و تمدن و فرهنگ و موجودیت کهنسال این سرزمین لگد کوب سم ستوران قوم چادرنشین و کوچنده گردید و مشعل فروزان علم و دانش و ادب در این جایگاه تفکر و اندیشه یک چندی در بیس برده ای از گردو غبار ناشی از تاخت و تازها و ایلغارها از فروغ و پرتو افشانی افتاد ولیکن بعد از فرونشستن طوفان و تخفیف بحران بار دیگر به همت مردانی اندیشمند و دانشمند نظیر جلال الدین مولوی، شیخ مصلح الدین سعدی، خواجه حافظ شیرازی، خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی، عظاملک جوینی، حمدالله مستوفی و دهها تن دیگر از نوابغ و بزرگان علم و حکمت و ادب مسیر گذشته را بازیافت و به هستی خود ادامه داد<sup>۱</sup> در بین این نوابغ و بزرگان بدون تردید مقام والای استادبشرا بوجعفر محمد بن محمد بن حسن ملقب به خواجه نصیرالدین طوسی حائز اهمیت شایانی است زیرا این عالم و متفکر نامی اولین جایگاه معظم و پایگاه استوار آموزش علم و حکمت را بعد از ایلغار مغول در شهر مراغه بنیاد نهاد و بجزرات میتوان گفت اولین کسی است که در شهر مراغه تاسیس گردید و شهرت ریادی دانشگاه تاسیس کرد<sup>۲</sup>. این مرکز علمی که در شهر مراغه تاسیس گردید و شهرت ریادی یافت بعد از دانشگاه معروف جندی شاپور بزرگترین مرکز علمی ایران بشمار میرفت که اساتید معروف عصر در آن بتدریس اشتغال داشتند و کتابخانه عظیمی که خواجه در آنجا فراهم آورد متجاوز از چهارصد هزار جلد کتاب داشت<sup>۳</sup>. این خدمت بزرگ بسه تمدن و فرهنگ ایران مسلما وی را در ردیف نام دارانی امثال فارابی، ابوریحان بیرونی و ابوعلی سینا قرار میدهد.

## نگاهی کوتاه بشرح حال وی :

خواجه نصیرالدین در سال ۵۹۷ هجری ( ۱۲۰۱ میلادی ) در شهر طوس خراسان متولد شد . در ایام طفولیت قرآن ، صرف و نحو و حدیث را از پدرش محمد بن محمد بن حسن از فقها و محدثان بنام طوس فراگرفت و سپس در نزد دائی خود منطق و حکمت آموخت و پس از آشنائی با علوم ریاضی و موسیقی از طوس به نیشابور رفت<sup>۴</sup> در نیشابور محضر اساتید بنامی از جمله فرید الدین داماد نیشابوری را درک کرد و مقام علمی وی تکامل یافت<sup>۵</sup> . زمانیکه خراسان در معرض تهاجم مغول قرار گرفت خواجه بهر تقدیر بخدمت ناصرالدین عبدالرحیم بن اسی منصور محتشم اسماعیلیان قهستان در آمد سپس در نزد علاءالدین محمد خداوند الموت بسر میبرد و بالاخره در حضور رکن الدین خورشاه آخر خداوند اسماعیلی در قلعه میمون دژ اقامت داشت که قلاع اسماعیلیه بتصرف مغولان درآمد و خواجه نیز سرانجام در نزد هلاکوخان تقرب یافت<sup>۶</sup> .

## آشنائی با علوم :

خواجه نصیرالدین طوسی در اکثر علوم متداول آن عصر از جمله فقه ، حکمت ، کلام ، منطق ، اخلاق ، طب ، نجوم ، ریاضیات ، ادبیات و فن شعر و موسیقی آثار و تالیفاتی دارد و تاکنون تحقیقات بسیار ارزنده ای در شناخت آثار و دانش این ابر مرد دنیای علم و تفکر و تعقل و تحقیق ایران بعمل آمده است از آن جمله چند اثری که در این مقاله بعنوان ماءخذ و پانویس از آنان استفاده گردیده است . لیکن چنین بنظر میرسد که آگاهی و آشنائی خواجه به علم و فن موسیقی چندان مورد بررسی قرار نگرفته است بطوری که استاد محقق آقای محمد تقی مدرس رضوی در تحقیق ارزشمند " احوال و آثار نصیرالدین " در این باب چنین مینویسند :

" مقاله در موسیقی - در هیچ یک از کتب تاریخ و تراجم احوال و فهرست های مولفات خواجه چنین کتابی بنام او ذکر نشده است فقط در فهرست نسخ عربی کتب خطی کتابخانه ملی پاریس شماره ۲۴۶۶ رساله کوچکی در موسیقی به محقق طوسی نسبت داده شده است " فهرست نسخ عربی کتابخانه پاریس ص ۴۳۶ شماره ۲/۲۴۶۶ " ساترن پس از ذکر رساله موسیقی افزوده " کنز التحف کتاب فارسی که به نصیرالدین نسبت داده شده است و اگر اثر او باشد احتمالا ترجمه کتاب مقاله موسیقی اوست و برطبق روایات نصیرالدین مخترع

یک نوع فلوتیست بنام مهتاردودوک Mohtar dū dūk نظریات موسیقی خواجه بوسيله بزرگترین شاگردش قطب الدین تکمیل شده است. " تاریخ موسیقی عربی لندن ۱۹۲۹ ."

در فرهنگ بهار عجم در لغت صحت نامه آمده است که صحت قولی است در علم موسیقی ساخته خواجه نصیرالدین طوسی این رساله به سعی و اهتمام آقای زکریا یوسف از هنرمندان عراق در مطبعه دارالعلم قاهره بسال ۱۹۶۴ چاپ شده است.<sup>۷</sup>

نگارنده بهنگام مطالعه در کتابخانه روبرت دانشگاه تورنتو کانادا به رساله آقای زکریا یوسف<sup>۸</sup> دسترسی پیدا کرده و مناسب دید که رساله موسیقی خواجه را منتشر نماید تا بعنوان راه گشاد رباب تفحص در علم و فن موسیقی ایران و بالاخص آگاهی خواجه در این علم مورد توجه محققان فن باشد. ضمن تماس و مذاکره با اساتید زبان و ادبیات عرب متأسفانه معلوم گردید که بعلت قدیمی و فنی بودن کلمات رساله ترجمه فارسی آن چندان سهل و آسان نیست، خواندن و فهم لغات و اصطلاحات موسیقی آن دوره مستلزم داشتن مهارت و آشنائی و آگاهی بر لغات فنی موسیقی متداول در قرن هفتم هجری زبان عربی میباشد. بهمین مناسبت عین رساله باخط عربی متداول، در این مقاله ارائه میگردد تا مورد توجه صاحب نظران و محققان علم موسیقی بمنظور دست یابی بر دوهدف شناخت موسیقی گذشته ایران و ارزیابی آگاهی خواجه نصیرالدین طوسی در این علم قرارگیرد.

- ۱- برای اطلاع بیشتر از حوادث تاریخی این عصر رجوع شود به: تاریخ مغول تالیف استاد عباس اقبال. انتشارات امیرکبیر ۱۳۴۱. تاریخ مغول در ایران تالیف برتولد شیپولر. ترجمه دکتر میرآفتاب از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب (۱۳۵۱)، امپراتوری صحرائنوردان. تالیف رنه گروسه. ترجمه عبدالحسین میکرده از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۳.
- ۲- قاموس الاعلام (ترکی) شمس الدین سامی. چاپ استانبول (۱۳۵۶) ۱۸۸۹هـ.
- م (جلد ششم صفحه ۴۵۸۲)
- ۳- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: یادنامه خواجه نصیرالدین طوسی. مجلد اول، از انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۶. خطابه دکتر آیدین صابیلی.
- ۴- احوال و آثار ابوجعفر محمد بن الحسن طوسی (ملقب به نصیرالدین) تالیف محمد تقی مدرس رضوی انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۴ صفحه ۵.
- ۵- برای اطلاع از فهرست استادان و نیز دانش آموخته گان خواجه طوسی رجوع شود به: سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی. نگارش محمد مدرس. از انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۵ صفحات ۲۶ تا ۲۷.

- ۶- رجوع شوبیه : تاریخ فلا سفه ایرانی از آغاز اسلام تا امروز تألیف علی اصغر حلبی .  
از انتشارات کتابفروشی زوار . تهران ۱۳۵۱ صفحه ۵۶۵ .
- ۷- احوال و آثار . مدرس رضوی ص ۵۷۰ .  
رسالة نصیرالدین الطوسی . تحقیق زکریا یوسف . دارالقلم . القاهره ۱۹۶۴
- ( در تحقیق جناب مدرس رضوی . ناشر رساله دارالعلم ذکر شده است در خود رساله "توزیع دارالقلم" می باشد ) .



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال المولى الأعظم : نصير الملة والحق والدين ، الطوسى برآء الله  
مضجعه . وعطر مرقده : علم الموسيقى يتألف من علمين :

أحدهما : العلم بالتأليف ، ودو نسب الأصوات الواقعة في النغم المختلفة  
في الثقل والحدة - لا في الجهاراة والخفانة<sup>(١)</sup> - على وجه تقبله الطباع .

والثاني : العلم بالإيقاع ، وهو النظام الواقع بين أزمنة السكونات  
المتخذة بين الثغرات والنغمات ، ومنه أوزان الشعر .

وكل نغمتين مختلفتين في الثقل والحدة تسميان بـ « البعد » ،  
والتفاوت بين النغم فيهما يقاس بالتفاوت الواقع في الأعداد .

وأعظم الأبعاد الواقعة في أى لحن كان تكون على نسبة ضعف الضعف  
وهي نسبة أربعة إلى واحد ، ويسمى الضعف في اصطلاحهم بـ « الذى  
بالكل » ، ويسمى ضعف الضعف بـ « الذى بالكل مرتين » .

وبليه في العظم<sup>(٢)</sup> « الذى بالكل والخمسة » ، وهو نسبة ثلاثة إلى  
واحد : لأن نسبة الاثنين إلى الواحد<sup>(٣)</sup> هي نسبة الذى بالكل ، ونسبة  
الثلاثة إلى الاثنين<sup>(٤)</sup> نسبة الذى بالخمسة ، وهو الزائد نصفاً ، وإنما سمي  
« بالخمسة » لأن الانتقال من أحد طرفيه إلى الآخر لا يكون مستعملاً<sup>(٥)</sup>  
إلا بخمسة أصوات ، مثاله :

(١) في المخطوطة : والجاره .

(٢) في المخطوطة : بـ نسبة .

(٣) في المخطوطة : نسبة الواحد إلى الاثنين .

(٤) في المخطوطة : نسبة الاثنين إلى الثلاثة .

(٥) في المخطوطة : مستعملاً .

ليكن أحد الطرفين ثمانية ، ويكون الطرف الآخر اثني عشر ،  
والانتقال يكون هكذا : الطرف الأول ثمانية ، وينتقل منها إلى اثني عشر  
وهذه خمسة .

وبعد الذي بالكل والخمسة يكون : « الذي بالكل » وهو نسبة اثنين  
إلى واحد - أعني الضعف - . وبعده « الذي بالخمسة » وقد مر ذكره ،  
وبعد « الذي بالأربعة » وهو الزائد ثلاثاً ، وينتقل من أحد الطرفين إلى  
الآخر بأربعة أصوات ، ولذلك سمي بـ « الذي بالأربعة » مثاله :  
ينتقل من تسعة . إلى عشرة ، إلى أحد عشر ، إلى اثني عشر ، وإذا  
زيد على التسعة ثلاثة حصل اثني عشر . وينتقل منها إليه بهاتين  
الواسطتين (١) .

وبعد الزائد رباعاً : كنسبة خمسة إلى أربعة (٢) ، ثم الزائد خمساً ،  
ثم سادساً إلى ما لا يتناهي . وأصغر الأبعاد الخمسة : نسبة الزائد جزءاً  
خمساً وأربعين ، وبعدها لا يحس بالفتاوت .  
والأبعاد : كبار ، وصغار . والكبار خمسة هي :

١ - الذي بالكل مرتين .

٢ - الذي بالكل والخمسة .

٣ - [ الذي بالكل ] .

٤ - [ الذي بالخمسة ] (٣) .

٥ - الذي بالأربعة

ومن الأبعاد لا يمكن أن ينتقل من أحد طرفيها إلى الآخر إلا بوسائط ،  
وذلك لأن ذلك الانتقال يعسر على الطباع ، فيبعد عن القبول .

(١) في المخطوطة : هدى الوسطى .

(٢) في المخطوطة : كنسبة أربعة إلى خمسة .

(٣) رقمان ٣ ، ؛ سافلان من المخطوطة .

وأما الصغار : فاعداها ، وأعظمها الزائد رباعاً ، وأصغرها الزائد جزءاً من خمسة وأربعين ، والمتعدل المقبول عند أكثر الطباع ، الزائد جزءاً من ثمانية ويسمى به الطينى .

والأصوات الواقعة في الألحان لا تكون مقبولة إلا إذا كانت على نسبة هذه الأعداد ، وكانت مرتبة فيها بحيث لا يحس التفاوت بينها وبين المقبولة ، ونسب أحوال النبضات المختلفة في القوة والضعف وفي المقدار ، بحيث أن تكون على هذه النسب حتى تكون منتظمة .

والمحسوس منها خمسة أبعاد :

١ - الذي بالكل والخمسة .

٢ - الذي بالكل .

٣ - الذي بالخمسة :

٤ - الذي بالأربعة .

٥ - الزائد رباعاً (١) .

وغير ذلك فما لا يحس في النبض ، أو لا يكون مقبولاً في الطبع .  
وأما إذا كانت النسب بين متادير أزمنة الحركات وأزمنة السكونيات على حسب الإيقاعات المقبولة في الموسيقى ، كانت النبضات جيدة الوزن ، وما لم تكن كذلك كانت رديئة الوزن ، وذلك على جنس غير جنس الانتظام وعدمه .

والله أعلم بالصواب

---

(١) الزائد رباعاً أى ٤ وهو نسبة بعد الثالثة الكبيرة (Major third) كالبعد